

ایجاد اغتشاش در ایران توسط عمال مزدور انگلیس

از سال ۱۹۲۱ میلادی بعد با عقد پیمان شوروی و ایران (۱۹۲۱ میلادی) و لغو قرارداد انگلیس و ایران (۱۹۱۹ میلادی) تشبثات انگلیس در برابر محکوم بشکست گردید. بطور مثال انگلستان در اواخر سال ۱۳۰۲ هجری شمسی (۱۹۲۴ میلادی) در مناقشات رضاخان و شیخ خزعل در خوزستان مداخله کرد ولی نتیجه‌ای عایدش نگردید. از این رو مجبور به تغییر روش سیاسی خود در ایران شد.

تغییر مشی سیاسی انگلیس در ایران امر بی‌سابقه‌ای نبود گذشته از سیاست تقسیم ایران به مناطق نفوذ (۱۹۰۷ میلادی) دولت انگلیس در سال ۱۹۱۵ میلادی موافقت کرد که منطقه بی‌طرف ایران لغو شده و شمال و جنوب این کشور بخاک روسیه و انگلیس ملحق گردد (۱)

در این موقع دولت انگلیس به فعالیت در میان قبایل جنوبی ایران پرداخت و برای تجزیه این منطقه از حکومت تهران آماده گردید. در مرکز نیز تشبثات زیادی برای تسهیل اجرای نقشه خود بعمل آورد.

در دوره اشغال ایران بدست نیروهای انگلیسی (۱۹۲۰-۱۹۱۸ میلادی) انگلیس با می‌کشیدند دستگاه مرکزی دولت را در اختیار خود گیرند در این دوره همراهی با فنودالهای تجزیه طلب جزء نقشه‌های انگلیسی نبود بلکه بمرکزیت کشور توجه خاصی داشتند. چنانکه میداتیم تمام این رشته‌های انگلیسی پنبه شد. قرارداد ۱۹۱۹ میلادی ملنی و روسیه در این بار بجای حکومت تزارها بصورت دولت شوروی معاهده دوستی با ایران منعقد ساخت.

ترکیه نیز بجای (ترکیه سلطانها) ترکیه ملی - از پرتگاه اضمحلال رهائی یافته و مستشاران نالخوانده انگلیسی را از کشور خود بیرون انداخت. در چنین شرایطی سربازان انگلیسی مجبور به تخلیه ایران گردیدند.

از این به بعد انگلستان ناگزیر سیاست خود را در ایران عوض کرده و به سیاست اولیه خود یعنی فعالیت و خرابکاری در جنوب ایران پرداخت و با تقویت فنودالهای تجزیه طلب به تضعیف حکومت مرکزی کمک کرد.

۱ - تلگراف مسزونیف به سفیر روسیه در پاریس به تاریخ ۱۷ اوت

سیاست انگلیس در این موقع از نامه‌ای که (کاپیتن نوئل) معروف به (سرپرسی کوکس) فرستاده است بخوبی روشن میشود. کاپیتن نوئل در نامه خود مینویسد: (سرپرسی محترم. من از طرف وزیر خارجه به مأموریت ایران اعزام شده بودم. پس از خروج ارتش ما از ایران احتمال میرفت بلشویکها، به این کشور داخل شده و در آن حکومت شوروی ایجاد کنند، اگر این احتمال صورت وقوع می‌یافت در آن صورت برای عملیات در جنوب آزادی عمل بدست می‌آوردیم، ولی قضیه بدین منوال جریان نیافت. بلشویکها بجای پیشروی در ایران عقب‌نشینی پرداختند... در هر صورت آنان در صدد اجرای سیاست حفظ تمامیت ایران بوده و مانع ایجاد فدراسیون جنوب بنفع ما هستند... برای تأسیس فدراسیون جنوب ایران اقدامات متعددی لازمست از آن جمله ایجاد دولت ایران جنوبی و تأدیبه هایدات تفت جنوب باین دولت است. مسئله اساسی ایتک امکان یا عدم امکان تحکیم وضعیت مادر اراضی بختیاری و اجرای نقشه فدراسیون جنوب ایران است). (۱)

خوشبختانه اوضاع بطور کلی عوض شده بود، زیرا دیگر در جنبش آزادی ملی شرق پشت جبهه معلمین و محکمی تأمین شده و اتحاد شوروی بصورت تکیه‌گاه معلمین نهضت آزادی بخش ملی مشرق زمین درآمده بود. بهمین دلیل نیز سیاست تجزیه طلبی انگلیس در ایران محکوم به شکست گردید.

رضاخان در سوم اسفند سال ۱۲۹۹ هجری شمسی (فوریه ۱۹۲۱ میلادی) به فرماندهی دیویزیون قزاق منصوب شد. اولین اقدام وی اخراج مستشاران انگلیسی دیویزیون بود. از طبقات پائین ملت افسرانی را بدور خود جمع کرده و بزودی شهرت و نفوذ بی‌سابقه‌ای بهم زد.

اولین اقدام رضاخان انگلستان را بدست و پا انداخت. تشبیهاتی برای عزل وی بعمل آمد. بعزت اخراج مستشاران نظامی انگلیس اختلاف نظر بزرگی بین رضاخان و سید ضیاءالدین (نخست وزیر وقت) ظاهر شد. رضاخان در مبارزه با سید ضیاءالدین پیروز شد. در ژوئن سال ۱۹۲۱ میلادی (۱۳۰۰) رضاخان به وزارت جنگ منصوب گردید و سید ضیاءالدین عامل انگلیسها مستعفی شد.

رضاخان به عنوان عضو کابینه و فرمانده کل قوا به اجرای نقشه‌های

۱- مقاله پراودا تحت عنوان (عملیات انگلیس در ایران) بتاريخ

خود پرداخت.

رضاخان باتکیه بر مناسبات دوستی با اتحاد جماهیر شوروی از اوایل سال ۱۳۰۱ شروع به کوییدن تمایلات استقلال طلبی فنودالهای شمالی نمود در این موقع در سایه تأمین پشت جبهه خود از طرف شوروی، شروع به خلع سلاح ایلات کوچ‌نشین کرد. در مبارزه با راهزنی و تأمین مال و جان هموطنان صرف نظر از موقعیت طبقاتی آنان، تحصیل یدهی مالیاتی مالکان بزرگ و رؤسای ایلات قدسهای بزرگی برداشته شد. تمام این شرایط از راه دیکتاتوری نظامی صرف قابل اجرا بود. در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی ایران رضاخان مداخلات مستقیم بعمل آورد. از انتخاب مخالفان شخصی خود جلوگیری کرد، مجلسی تابع خود بیاراست، اینجا دیگر قانون اساسی و احترام افراد و تأمین ملت پایمال گردید و با این انحرافات رضاخان اسلحه برنده‌های بدست فنودالها داد. برای پیروزی در انتخابات و امکان مداخله در آن اشغال پست نخست وزیری لازم بود. رضاخان که در رأس قوای نظامی قرار داشت با تهدید شاه پست نخست وزیری را اشغال کرده و احمدشاه را به عنوان معالجه از ایران خارج کرد. دلخوشی احمدشاه فقط عبارت از آن بود که وعده پرداخت حقوق و مزایا را تا آخر عمر از نخست وزیر گرفته بود. بجای شاه ولیعهد (محمدحسن میرزا) در تهران ماند رضاخان به زور، تهدیدی به امضاء ولیعهد رساند مبنی بر اینکه: در امور دولتی دخالت نکند.

بدین ترتیب کودتائی بی‌سروصدا انجام گرفت و رضاخان بر

مسند دیکتاتوری نشست (۱)

۱- انقلاب شروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن، تألیف

م. پاولویچ- و. تریب- س. ایرانسکی ترجمه م. هوشیار صفحه ۱۶۱

آغاز جنبش جمهوری خواهی در ایران

در آغاز قرن سیزدهم هجری (ربع دوم قرن بیستم میلادی) اوضاع بین‌المللی دگرگون گشته بود. بجای روسیه تزاری، اتحاد جماهیر شوروی و بجای ترکیه سلطان‌ها، جمهوری ترکیه مستقر گشت. مسئله ایجاد مرکزیت ایران و تشدید فعالیت جنبش آزادی ملی در ایران و جداسدن صفوف متخاصم طبقات ایران در مجلس پنجم (۱۳۰۲ هجری شمسی) به جنبش جمهوری خواهی منجر شد.

مسئله پایان بخشیدن به حاکمیت شاهان و اعلام جمهوری در کشور ایران به عنوان مسئله اساسی روز بساریشه‌های عمیق خود عرض اندام مینمود. پس از جنبش مشروطه مجلس وسیله ای برای دیکتاتوری طبقه فئودال شاه شده و امکان میداد: فئودالیسم در همین میارزه با حاکمیت شاه، سیادت و حکومت خود را بر توده‌ها نیز تحمیل نماید. اکنون مجلس بدست رضاخان افتاده و وسیله ای برای دیکتاتوری نامبرده شده بود. برای جلوگیری از این امر گروه متحد و کوچکی از فئودالها (اقلیت) وعده‌ای از (منفردین) در زیر شعارهای مشروطه و در راه حفظ سلطنت به مبارزه پرداختند.

شاه که بدست فئودالها بصورت مرده‌ای درآمده بود. اکنون از طرف همان فئودالها بحرکت آمده و شروع بدست‌وپا زدن کرد ولی حاکمیت شاه دیگر بنخودی خود در تاریخ ایران نمیتوانست ملی بازی کند. زیرا نقش وی در سال ۱۳۳۷ هجری قمری (۱۹۰۹ میلادی) پایان رسیده بود.

حاکمیت شاه در این موقع‌جای مجلس را که روزی وسیله‌ای در دست ارتجاع فئودالی بود، اشغال کرده بود.

از سال ۱۳۰۱ خورشیدی (اواخر سال ۱۹۲۲ میلادی) شایعات زیادی درباره اعلام جمهوری در ایران در روزنامه‌های شرق و غرب منتشر میشد. روزنامه (شفق سرخ) ارگان رسمی رضاخان چاپ تهران در این باره نوشت: «کشور ما را سردار سپه بسوی جمهوریت رهبری نمی‌کند... بلکه جمهوریت یکی از تقاضاهای زمان ما است... ما را افق کلگون روسیه و منظره ترکیه جوان بسوی جمهوریت سوق می‌دهند... امپراطوریهای بزرگ جهان - آلمان، اتریش، جمهوری شدند... تجربیات انسان است که ایران را پارس شوق می‌آورد. بعلاوه سلطنت قاجاریه که هستی ملت را به‌یضا برده و مخصوصاً عیش عشرت شاه فعلی که حلقه‌ای به امور دولتی نشان نمیدهد، ما را بجانب جمهوریت میکشاند. اهداآل ما، ایجاد یک ایران مقتدر است که بتواند در برابر تحریکات اروپائیان ایستادگی کرده و در راه تکامل قدم گذارد...»

ممچنین عارف قزوینی شاعر ملی ایران در این دوره غزلی زیر عنوان فاتحه سلطنت سرود:

رایت جمهوری

به مردم این همه بیداد شد ز مرکز داد
 زدیم تیشه بر این ریشه هر چه بادا باد
 از این اساس خلط، این بنای پایه خراب
 نتیجه نیست به تعمیر این خراب آباد
 مگوی کشورجم، جم چکاره بود و چه کرد؟
 مگوی ملک‌کیان، کی گرفته، کی به‌گه داد؟
 شکسته بود گر امروز بود از حد جای
 چو بیستون سر خسرو ز تیشه فرهاد
 کنون که می‌رسد از دور رایت جمهور
 به زیر سایه آن زندگی مبارک باد
 به زور بازوی جمهور بود گر ضحاک
 گرفت داد دل خلق، گاو حداد
 پس از مصیبت بسیار، هید جمهوری
 یقین بدان بود، امروز بهترین اعیاد
 خوشم که دست طبیعت گذاشت در ره باد
 چراغ سلطنت شاه سر در پچه باد

تو نیز فاتحه سلطنت بقوان (عارف)

خداش با همه بدظرفتی بیامروزاد

خرابه کشور ما را هرآنکه باعث شد

گزین سپس شود آباد خانه اش آسباد

بدست جمهور هرکس رئیس جمهور است

همیشه باد در انتظار رادمردان ، راد

شعبان سال ۱۲۶۲ هجری قمری

بهر حال در اثر فعالیت ارتجاع فئودالی جنبش جمهوری خواهی با هدف موفقیت روبرو شد. مجلس جرأت تغییر قانون اساسی را نیافت. تنها اظهار عقیده کرد که تغییر قانون اساسی با مجلس مؤسسان است. نخست وزیر (رضاخان سردار سپه) در حمل سال ۲-۱۳ خورشیدی پس از عزیمت به قم و ملاقات با علمائی که در قم اقامت داشتند، بیانیهای منتشر کرد.

رضاخان در این بیانیه ب مردم توصیه کرد که : «باید مسئله جمهوری طلبی را بدور انداخت و بجای آن بدفع موانعی که جلوی اصلاحات و ترقی مملکت قرار دارد همت گماشت. من تحکیم اساس دین مقدس و استقلال کشور و حاکمیت ملی را در سایه یاری شما خواستارم.» بدین ترتیب این دومین انحراف رضاخان بود که فرصت مناسبی را از ملت ایران قوت کرد و با رأی اعتمادی که چندی بعد مجلس به رضاخان داد از نظر رسمی تغییر رژیم مسکوت ماند ولی در حقیقت نبرد آتشین در راه جمهوریت، به ویژه در میان طبقات پایین اجتماع تأثیر انقلابی عمیقی بخشید. عده زیادی جمعیتها و تشکیلات جمهوری خواه تأسیس شد. از جمله (اتحادیه دهقانان) تشکیل گردید و به مبارزه پرداختند نهضت جمهوری خواهی به تقوّد شاه لطمه جبران ناپذیری وارد آورد و در عین حال مقاصد بلوک انگلیس - فئودال را نیز بیش از پیش آشکار ساخت.

برای پایان دادن به سلطنت قاجاریه در برابر رضاخان اشکالات خارجی و داخلی زیادی وجود داشت. در حقیقت این هر دو اشکال از طرف انگلستان ایجاد شده بود و تا موقعی که رضاخان روی موافقت با نقشه های انگلستان نشان نداد این اشکالات بر سر جای خود باقی بود.

ادامه این بحث را به کتاب مستقل دیگر که زیر عنوان: «آزاداندیشی و مردم‌گرایی ایرانیان در قرن سیزدهم هجری = قرن بیستم میلادی» در دست تالیف دارم محول می‌کنم.

پس از بهم خوردن جمهوری، چراید مخالف جمهوری نموده‌های پرشور و هیجان انگیزی را آغاز نموده اشعار و مقالات زیادی منتشر کردند. از جمله اشعار معروفی که در این زمینه گفته شده اشعار جمهوری‌نامه میباشد که در حقیقت کارنامه و تاریخچه جمهوری بشمار میرود. در آن موقع گوینده اشعار مرفعی نشد و عده‌ای تصور می‌کردند از میرزاده عشقی است ولی بعدها معلوم شد که اثر طبع استاد محمدتقی بهار (ملک‌الشعراء) است.

جمهوری‌نامه

چه ذلت‌ها کشید این ملت زار
دریغ از راه دور و رنج بسیار
ترقی اندر این کشور معال است
که در این مملکت قعد الرجال است
خرابی از جنوب و از شمال است (۱)
بر این مخلوق آزادی وبال است
نباید پسرده بگیرفتن ز اسرار
که گرده شرح بدبختی پدیدار
دریغ از راه دور و رنج بسیار
اگر پیدا شود در ملک یک فرد
به مانند رضا خان جوانمرد
کنندش دوره فوراً چند ولگرد
به فکر اینکه باید ضایعش کرد
بگویند از سر شه تاج بردار
به فرق خویشان این تاج بگذار
دریغ از راه دور و رنج بسیار (۲)
جنبشهای آزادیخواهانه در ولایات

بطوریکه آمده است دخالت مستقیم حکومت تزاری با اعزام نیرو به تبریز انقلاب مشروطه ایران را در آستانه پیروزی قطعی سرکوب کرد.

۱- یعنی انگلیس و روسیه

۲- کلیه اشعار این جمهوری‌نامه در کتاب «مدرس تالیف حسین مکی» جلد اول صفحه‌های ۳۳۶-۳۳۷ درج شده است.

از مشروطه آنچه باقی ماند قانون اساسی و فرم حکومتی مشروطه بود، ولی نیروهای آگاه انقلاب سعی کردند از این تغییرات صورتی استفاده کرده به مبارزه خود ادامه دهند.

بدین منظور در سال ۱۳۲۸ هجری قمری ۱۹۰۹ میلادی حزب دموکرات ایران را تشکیل دادند که برنامه آن: تقسیم املاک بین دهقانان، ایجاد بانک کشاورزی، ایجاد ارتش ملی، تفکیک سیاست از مذهب، برقراری تعلیمات اجباری... بود. این حزب توانست ۲۸ نفر نماینده به دوره دوم مجلس شورای ملی بفرستد و از تریبون مجلس خواستهای مردم را اعلام دارد و بر ضد دخالتهای استعمارگرانه امپریالیستهای انگلیس و روس مبارزه کند. در دوران فترت بین دوره دوم و سوم مجلس که بمنظور سرکوب کردن این حزب و سایر نیروهای انقلابی بوجود آورده بودند موفق به سرکوبی این حزب نشدند.

در مجلس سوم دموکراتها ۳۱ کرسی بدست آوردند و توانستند عده دیگری از وکلا را با خود همراه کنند. تحمل چنین مجلسی برای امپریالیستها که در عمل ایران را در اشغال خود داشتند ممکن نبود، مجلس را تعطیل کردند.

جنگ بین الملل اول و ورود قوای دشمن به ایران جنبه و جوش تازه ای بمردم داد و در هر گوشه ای از کشور به ویژه در شمال و بین ایلات جنوب مقاومتی مسلحانه آغاز گردید. حزب دموکرات ابتدا حکومتی موقت در قم و پس از شکست در کرمانشاه تشکیل داد و سپس اعضاء و طرفداران آن مجبور به «مهاجرت» شدند. حلیفه انقلاب اکتبر که در ایران بصورت تشکیل شوراهای سربازان روس در شمال ایران پدیدار گردید تحریک تازه ای به نیروهای انقلابی داد و حزب دموکرات بخصوص در تبریز نیروی تازه ای گرفت. در آستانه وقایع ژوئیه ۱۹۱۷ میلادی در روسیه همکاری دموکراتها با سربازان روس بدانجا رسید که سربازان روس با آزادیخواهان تبریز و دموکراتها میتینگ مشترکی بر مزار شهیدان راه آزادی تشکیل دادند و نطقهای آتشینی ایراد کردند. از جمله ناطقان شیخ محمد خیابانی بود که بنام حزب دموکرات سخن راند.

در این هنگام علت وقوع انقلاب کبیر در روسیه شمال ایران

یکباره از زیر فشار امپریالیسم آزاد شد و شعله‌های انقلاب اکتبر سرتاسر این منطقه رایج جنبش تازه‌ای که در سطح عالی‌تر از جنبش مشروطه قرار داشت، درآورد.

در جنوب انگلیسها با تمام قوا کوشش کردند که از تأثیر انقلاب اکتبر در مردم بکاهند و نفوذ خود را مستحکم کنند و سپس آتش انقلاب را در شما خاموش نمایند.

اما در سراسر ایران مقاومت با سرسختی تمام بر ضد انگلیس جریان یافت. جمعیت‌های گوناگونی که هدف آنها اخراج انگلیس‌ها و تسلیم پلیس جنوب بدولت ایران و لغای قراردادهای تحمیلی بود تشکیل گردید.

جنبش خیابانی

فراخواندن ارتش روس از ایران و اشغال آذربایجان از طرف عثمانی‌ها که قصد تجزیه و الحاق این منطقه را به ترکیه داشتند شرایط مساعدی برای دموکراتهای آذربایجان و آزادیخواهان بوجود آورد. عثمانیها خیابانی و عده‌ای از سران جنبش را توقیف و تبعید کردند.

پیشرفت ارتش سرخ در قفقاز، عقب‌نشینی قوای انگلیس از باکو و فشار دولت جوان شوروی به عثمانیها برای تخلیه خاک ایران منجر به بیرون رفتن نیروی عثمانی از آذربایجان گردید و بار دیگر شرایط مساعدی برای جنبش در آذربایجان فراهم آورد در شب عید نوروز سال ۱۲۹۹ خورشیدی (۲۰ مارس ۱۹۲۰ میلادی) میتینگ عظیمی با شرکت بیش از بیست هزار نفر در تبریز تشکیل گردید که با شعار «مرده باد انگلیس، خواهان تخلیه ایران از نیروهای انگلیسی بودند. پادگان انگلیسی در تبریز شهر را تخلیه و عقب‌نشینی کرد. ولی شهربانی مانند معمول رهبران جنبش راحت فشار قرار داد. نتیجه فشار شهربانی قیام تحت رهبری حزب دموکرات آذربایجان که بعطت دورماندن از مرکز حزب و نابسامانی آن در مناطق دیگر ایران، بنام «قرقه دموکرات آذربایجان» نامیده شده بود بوجود پیوست. قیام در هفتم آوریل ۱۹۲۰ میلادی آغاز شد و طی دو روز همه ادارات از جمله شهربانی بدست قیام‌کنندگان افتاد. ابتدا هیئتی بنام (هیأت اجتماعی) کار قیام را اداره

می‌کرد، اما در روز ۲۰ ژوئن سال ۱۹۲۰ میلادی این هیأت منحل و حکومت ملی با برنامه زیر تشکیل گردید:

بر انداختن سلطنت، برقراری جمهوری، نجات کشور از قید اسارت خارجی، خودمختاری در آذربایجان، برقراری روابط سیاسی و بازرگانی با کشور شوروی، حکومت ملی بلافاصله دست به یک سلسله اصلاحات در زمینه امور بهداشتی و فرهنگی و تأسیس ارتش ملی و نظائر آن زد و شیخ محمد خیابانی نیز هر روز برای روشن کردن افکار عمومی به نطقهای آتشین پرداخت که تأثیر مهمی از لحاظ فکری در مردم داشت. پیشرفتهای حکومت ملی، حکومت مرکزی را به تلاش انداخت. کابینه وثوق‌الدوله عاقد قرارداد تحت‌الحمایگی سال ۱۹۱۹ میلادی با کمک انگلیسها به انواع حیل متشبث شد تا این حکومت را براندازد. ولی توفیق نیلقت و خودش در نتیجه نفرت عمومی مردم مایهت گردید. بعد از آن مشیرالدوله که تا اندازه‌ای خوش‌نام بود سرکار آمد و مخبرالسلطنه را که از دموکراتهای سابق بود به استانداری آذربایجان فرستاد. خیابانی به مخبرالسلطنه اعتماد کرد و او آزادانه وارد تبریز شد. مخبرالسلطنه با استفاده از نیروی قزاق و خیانت فرمانده ژاندارمری خیابانی را غافلگیر کرد و سرانجام این انقلابی پرشور در روز ۲۲ شهریور سال ۱۲۹۹ خورشیدی بدست قزاقان شهید شد. بدین ترتیب جنبش و قیام خیابانی که یکی از صفحات درخشان مردم گرانئی در تاریخ آذربایجان است در ایران معروف گردید.

قیام جنگل و جنبش مردم گیلان

همانطور که نوشته شد در جریان جنگ جهانی اول که قوای متخاصم بیطرفی ایران را نقض و کشور ما را اشغال کردند جنبش وسیعی بر ضد نیروهای اشغالگر پدید آمد، لیه تیز این جنبش متوجه قوای انگلیس و روسیه تزاری، دودشمن دیرین ایران و انقلاب مشروطه بود. میرزا کوچک‌خان، یکی از مبارزان دوران مشروطه در رأس گروهی از آزادیخواهان در گیلان بر ضد قوای تزاری برپا خاست و سپس به تبعیت از شرایط مساعد یا نامساعد روز بر حسب خصلت بورژوازی خود گاه بصورت انقلابی دوآتشفه و زمانی بحال تسلیم و عقب‌نشینی در جنگل و اطراف رشت مستقر گردید.

هنگامی که انگلیسها مجبور به عقب‌نشینی از قفقاز شدند و ارتش سرخ صحنه قفقاز را از قوای خارجی و نیروهای ارتجاعی داخلی مصفی کرد، میرزا کوچک‌خان با کمک کمونیستها و توده‌های مردم که از پیروزیهای انقلاب اکتبر بجنبش آمده بودند، به رشت وارد شد، در این حکومت کمونیستها، جنگلیها، احسان‌الله‌خان و خالو قربان که نماینده قشرهای گوناگون اجتماعی بودند شرکت داشتند. در ۲۴ ژوئن همین سال اولین کنگره حزب کمونیست ایران در بندر انزلی (پهلوی) تشکیل و برنامه حزب را مبنی بر اخراج انگلیسها از ایران، واژگون کردن رژیم سلطنتی و فتوالمی و معادله و تقسیم بلاعوض املاک مالکان بزرگ، تصویب و کمیته مرکزی خود را انتخاب کرد. حزب کمونیست ایران وارث سنن انقلابی حزب عدالت و گروههای سوسیال‌دموکرات و کمونیست ایران بود که با برنامه‌ای روشن بمیدان مبارزه قدم گذاشت.

فعالیت جاسوسان انگلیس در گیلان

در این موقع کاپیتان نوتل عضو انتلیجنت سرویس انگلیس مأموریت داشت به قفقاز سفر کرده اطلاعات منظور نظر فرمانده ارتش انگلیس در ایران را جمع‌آوری نماید، نامبرده شده با لباس شخصی به بادکوبه رفت و با دست پر برگشت. وی چون سقوط حکومت شائومیان (دولت مستقر در نواحی قفقاز قبل از استقرار حکومت کمونیست دولت اتحاد جماهیر شوروی) را در آینده نزدیک حدس زده و باخود اندیشیده که عبور نیروی انگلیس از منطقه گیلان قاعدتاً نباید با وجود قواء جنگل خالی از مخاطره باشد و رفع این مخاطره و بدام نیفتادن نیروی انگلیس از پشت سر فقط با تمهید ترور میرزا کوچک‌خان میسر است. بنابراین در انزلی دست بکار شد، جنگلیها بمجرد اطلاع از هویت و نیت تبلیغات او دستگیرش ساختند و در محلی موسوم به (فتر بند) در جنگل زندانی کردند؛ در بازرسی بدنی از کاپیتان نوتل نقشه‌ای از جیبش کشف شد که بنقاط سوق‌الجیشی گیلان و قفقاز ارتباط می‌یافت. مک‌لارن قونسول انگلیس در گیلان و میجر آکشوت رئیس بانک شاهنشاهی رشت نیز بدنبال گرفتاری کاپیتان نوتل دستگیر و بجنگل

برده شدند.

بعد از چندی که ماک‌لارن و مینجر آگشوت به کمک یکی از افراد محل که مترجم افسران انگلیسی بود موفق به فرار شد کاپیتان نوئل هم از زندان فخریند گریخت ولی دستگیر گردید. بار دوم نیز فرار کرد و معاف‌ظینش که تهدید به اعدام شده بودند تا مبرده رادر ناحیه ماسال که فرسنگها از محل بازداشت مسافت دارد گرفته و وقتی میرآقا نام شامی چند ضربه شلاق به وی نواخت که چرا گریخته و او را در معرض خطر مرگ قرار داده فریادش بزبان فارسی بلند شد که: «چرا من را می‌زنید من باید فرار کنم، شلاق به‌عنوان زده می‌شود، پمیرزا از دست شما شکایت خواهم کرد.» نامبرده شده گذشته از زبان انگلیسی بزبان‌های ترکی و ارمنی و فارسی نیز آشنا بود. این شخص بعد از مدتی زندانی بودن بموجب یکی از مواد متارکه جنگ بین جنگلیان و انگلیسیان آزاد شد و به مأموریت دستگیری واسموس قونسول آلمان به شیراز رفت و برای دستگیریش هزار لیره جایزه تعیین نمود. (۱) در سال ۱۹۲۲ میلادی شورش لرستان را ایجاد و رهبری نمود (۲) در سال ۱۳۰۹ خورشیدی مأمور منطقه بختیاری شد و کشف و کراماتی از خود بمنصه ظهور رسانید. (از جمله کارهای وی این بود که: پولهای زرد را قبلا در کوزه‌های کهنه گلی جا داده و در نقطه‌ای دور افتاده دفن می‌کرد. بعد بمتظور قریب واغفال بختیاری‌ها که از آنها درخواست کمک داشت و مخصوصاً برای اثبات این مطلب که او از همه چیز اطلاعات کامل دارد محل اختلافی دینه‌ها را با مهارت و استادی تمام نظیر عملیات حقه‌بازان شیاد کشف می‌نمود و محتوی کوزه‌ها را بین خوانین قسمت میکرد و بدین طریق بختیاریها رادر اجراء دستورالعمل‌هایش مطیع می‌ساخت). این شخص در وقایع شهریور سال ۱۳۲۰ خورشیدی رئیس شرکت آبیاری منطقه خوزستان شد و چون مصاحبه او با يك نفر ایرانی در مأموریت اخیر حاوی نکته‌های جالب توجه است بنابراین عین آن در اینجا نقل میشود:

سؤال از کاپیتان نوئل: چگونه شما چهل میلیون جزیره تشین، رجال سیاسی ما را فرمانبردار خود می‌کنید؟!

۱- سردار جنگل تألیف ابراهیم فخرانی صفحه ۱۱۴

۲- انقلاب مشروطیت ایران تألیف م. پاولویچ - وقریا - س. ایرانسکی

ترجمه م. هوتیار صفحه ۱۵۴

جواب: در مسالکی که منافع حیاتی داریم نباید بگذاریم مردان لایق حکومت کنند، دستور است که هرگاه یکی از رجال سیاست خواست بنفع کشورش کار کند یا باید او را از بین ببریم و یا از رأس کاری که به عهده دارد، برداریم.

سوال: آیا حیف نیست اراضی بایر ما در خوزستان خشک و لم یزرع باشد؟

جواب: آیا تصدیق ندارید که نفت از قدرت‌های درجه اول دنیا است و بهتر است دور این قدرت جهانی، جمعیت هرچه کمتر باشد، اگر غیر از کار صنعت نفت حرفه‌ای در این جاها باشد و کار کشاورزی رونق بگیرد، کارگر ارزان پیدا نمی‌شود و مردم سیر میشوند و آنوقت سیرها اسباب زحمت ما خواهند شد. (۱)

و از گفته‌های او است که کشت نیشکر در ایران نتیجه ندارد و بی‌جهت سازمان کشاورزی در این باره تلاشی می‌کند زیرا اگر نیشکر کاشته شود، چه‌کسی خریدار شکر انگلیسی در ایران خواهد بود (۲) او اعتقاد داشت که باید در جنوب ایران دولتی تشکیل یابد که درآمد نفت جنوب به این دولت متعلق باشد. شاید تشکیلات پلیس جنوب (اس. پی. آر) مقدمات اجراء همین نقشه بود (۳) بدیهی است اقدامات بعدی آنها در ایران تازمان حاضر مؤید همین عقیده است !!

شکست جنبش گیلان

قیام جنگل و جنبش آزادیخواهان مردم گیلان علی‌رغم کارشکنی‌های مزورانه دولت‌های انگلیس و روسیه تزاری و عمال مزدور آنها همچنان به فعالیت خود ادامه داد. ولی این امر دیرینه‌نپایید زیرا هم در کادر رهبری حزب و هم در بین حزب و میرزا کوچک‌خان که هدف‌هایش در چهارچوب تنگ بورژوازی و داعیه شخصی محدود بوده، اختلاف بروز کرد. میرزا کوچک‌خان حکومت انقلابی را ترک کرد و به جنگل عقب نشست و حکومت جدید بریاست احسان‌الله خان تشکیل گردید. این انشعاب و اختلاف شریک سختی به جنبش انقلابی گیلان زد. در این موقع قوای دولتی با کمک نیروهای نظامی انگلیس حمله بزرگی بر ضد نیروهای مسلح انقلابی که تا نزدیک قزوین پیش آمده بودند آغاز کردند و آنها را تا بندر انزلی عقب نشانند، دلیری و شهامت

۱- مجله فردوسی چاپ تهران شماره ۳۴۷ و ۳۴۶ صفحه ۸ و ۱۲

۲- مجله فردوسی شماره ۳۴۶ صفحه ۳۲

۳- انقلاب مشروطیت ایران وریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن-ترجمه

م. هوشیار صفحه ۱۴۹

مبارزان کمونیست و کمک انقلابیون قفقاز توانست مهاجمان را به عقب راند شهر رشت باردیگر بدست انقلابیون افتاد. در همین هنگام حیدر عمو اوغلی به آن مسلمان شتافت تا وضع آن خطه را سر و سامان دهد. اختلاف ریشه دار از یک طرف و تحریکات حکومت قوام و انگلیسها از طرف دیگر کار را به آنجا رساند که میرزا کوچک خان عده ای از سران نامدار کمونیست را برای مذاکره به جنگل دعوت کرد و آنان را غافلگیر کرده به قتل رساند و به این ترتیب زمینه پیروزی قوای دولتی فراهم گردید. حکومت انقلابی گیلان از پای درآمد و دیری نپایید که نیروی میرزا کوچک خان به تحلیل رفت و خود او هنگام فرار میان برف جان سپرد و سرش را بریده به اردوگاه آوردند. (دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۰۰ خورشیدی مطابق با نوامبر ۱۹۲۱ میلادی). با شکست انقلاب گیلان نیروهای ملی در آن سرزمین پراکنده شدند. برای اطلاع دقیق از جنبش گیلان خوانندگان می توانند به کتاب سردار جنگل تالیف ابراهیم فخرائی مراجعه کنند.

قیام کلنل محمدتقی خان پسیان

کلنل محمدتقی خان پسیان عضو حزب دمکرات افسر برجسته ژاندارمری بود که از لحاظ ایدئولوژی دارای افکار خرد بورژوازی. مخالف حکومت اشراف، طرفدار حکومت دموکراتیک و در سیاست خارجی مخالف نفوذ انگلیسها بود. کودتای اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی سیدضیاءالدین و پیدایش رضاخان سردار سپه که قرارداد ۱۹۱۹ میلادی را لغو و اشراف و اعیان وعده ای از فتودالها را زندانی کردند. ابتدا کلنل محمدتقی خان پسیان را امیدوار کرد. اما با سر کار آمدن قوام السلطنه که کلنل او را بخوبی می شناخت، این امید به یأس مبدل شد

۱- کلنل محمدتقی خان پسیان افسر وطن خواه و تحصیل کرده آلمان در دوره زمامداری قوام السلطنه فرمانده ژاندارمری خراسان بود. پس از کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی به دستور سید ضیاءالدین روز ۱۳ فروردین سال ۱۳۰۰ شمسی قوام السلطنه رایز داشت کرده به تهران اعزام داشت. از سخنان معروف کلنل محمدتقی خان که مؤید وطن پرستی شدید اوست، اینست: « من حاضر نیستم که خونی از بینی يك ایرانی بریزد، دراضری دارم گلوله به سینه من بخورد تا آن گلوله بدیوار قلعه ای از قلاع ایران اصابت کند. تاریخ مختصر احزاب سیاسی تالیف محمدتقی بهار (ملك الشعراء) صفحه ۱۴۵

و او را به قیام واداشت. کلنل با القوام مسلح خود به یاری عده‌ای از آزادیخواهان، منطقه خراسان را از حیطه اقتدار حکومت مرکزی رها نمود. کمیته‌ای از نمایندگان طبقات مختلف بنام «کمیته ملی» تشکیل داد. این کمیته با شمار اصلاحات ارضی به روستاها رفت. ولی دست به اقدامات اساسی نزد (۱) قوام‌السلطنه که با سران مشایخ و فتووالهای معنی روابط دوستانه داشته، آنها را علیه کلنل محمدتقی‌خان تحریک کرد و آتش فتنه را از هر طرف برافروخت. کلنل که مردی دلیر و بی‌پروا بود در زرد و خوردی یا اگرادقوچان که نبردی ناهرابری بود شرکت کرد و کشته شد. بعد از این واقعه قوام دولتی که مدتها منتظر فرصت بودند به‌مشهد وارد شدند و به این طریق قیام کلنل محمدتقی پسمیان در خراسان سرکوب گردید. (اول صفر سال ۱۳۴۰ هجری قمری مه‌ماه سال ۱۳۰۰ خورشیدی)

کلنل محمدتقی پسمیان که برای اخراج دو دشمن دیرین یعنی انگلیس و روسیه تزار به کمک آلمانها امیدوار بود بعد از انقلاب کبیر اکتبر هوادار جدی حکومت جوان شوروی گردید و احساسات بسیار دوستانه‌ای از خود در نطق‌هایش نسبت به آنان نشان داد.

عارف قزوینی شاعر ملی معاصر درسوك کلنل محمدتقی‌خان پسمیان چند غزل سروده که یکی از آنها بشرح زیر است:

زنده به خون خواهیت هزار سیوش
گردا از آن قطره خون که از تو زند جوش
عشق به ایران بخون کشیدنت و این خون
کی کند ایرانی ارکس است فراموش
دارد اگر پاس قنر خون تو زبید
گردد ایران هزار سال سیه پوش

۱۰ ایرج میرزا شاعر معاصر که خود شاهد عینی اقدامات کلنل محمدتقی‌خان بوده اشعار زیر را سروده است:

همسری نادریت کشاند بجهانسی
 کار که تانادرت کشیده در آغوش (۱)
 از پی کسب شرف کشید شرافت
 تا نفس آخر از تو غاشیه بر دوش
 شعله شمع دلاوری و رشادت
 گشت در این مملکت ز بعد تو خاموش
 جامه ننگین لکه دار پتن کرد
 دوخت هر آن بی شرف به قتل تو پاپوش
 سر سر خود به خاک بردی و برداشت
 از سر و سر تو نبش قبر تو سرپوش
 قبر تو گر نبش شد چه باک به یادت
 ریخته در مغزها مجسمه هوش (۲)
 مست شد از عشق گل به نغمه درآمد
 بلبل، عارف ز داغ مرگ تو خاموش

در اینجا مطالب جلد اول کتاب آزاداندیشی و مردم‌گرایی در ایران
 پایان می‌پذیرد و خوانندگان ارجمند راه جلد دوم این تحقیق زیر عنوان
 «مردم‌گرایی ایرانیان در قرن سیزدهم هجری - قون بیستم میلادی» که در
 دست تحقیق و تألیف دارم راهنمایی میکنم.

پایان

بقیه از حاشیه صفحه قبل .

کریم الطیب سرهنگ و طنخواه
 جلیل‌القدر سردار فلسک چاه
 یکی ژاندارمری برپا نموده
 که عالم را پر از غوغا نموده
 ز سرکز رشته طاعت گسسته
 کمر شخصاً به اصلاحات بسته

او ۲ - جنازه کلنل محمد تقی خان در آرامگاه نادرشاه در مشهد دفن شده
 بود ولی در شب ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰ هجری قمری پنا به اجازه مقامات مرگزی
 از خاک بیرون آورده شده و شبانه در قبرستان کوچکی بیرون دروازه سرآب
 جنب باغ منبع بخاک سپرده شد. لازم به توضیح است که قبرستان مذکور در
 دوره حکومت پاکروان در خراسان از بین رفته و جزیه خیابان شده است.

ابوالقاسم لاهوتی

میهن ای میهن

تنیده یاد تو، در تاروپودم، میهن ای میهن!
 بود لبریز از عشقت، وجودم، میهن ای میهن!
 تو بودم کردی از نابودی و بس مهر پروردی
 فدای نام تو، سوه و نبودم، میهن ای میهن
 بهرمجلس، بهرزدان، بهرشادی، بهرم ماتم
 بهرحالت که بودم یا تو بودم میهن ای میهن
 اگر مستم، اگر هشیار، اگر خوابم، اگر بیدار،
 بسوی تو بود روی سجودم، میهن ای میهن!
 بدشت دل، گیاهی، جز گل رویت نمی‌روید
 من این زیبا زمین را آزمودم، میهن ای میهن

جانان من

من عاشقم و عشق من، ایمان من است
 جانان من، خوبتر از جان من است
 اصلا این جان برای جانان من است
 جانان ز جان بهترم ایران من است

ایران من

بشو آواز مرا از دور ای جانان من
 ای گرامی‌تر ز چشمان، خوبتر از جان من
 اولین الهام بخش و آخرین پیمان من
 کشور پیر من، اما پیر عالیشان من
 طبع من، تاریخ من، ایمان من، ایران من،
 من جدا افتاده از پیش تو فرزندی توام
 لیک روحا پای بند مهر و پیوند توام
 دایما گویا که در آغوش دلبند توام
 واله بگذشته بی مثل و مانند توام
 مخلص تو، عاشق تو آرزومند توام
 آرزومندم که تا بد اختر فرخنده‌ات
 در عمل آید دوباره روح دایم زنده‌ات
 بهتر از بگذشته باشد حالت و آینده‌ات
 نور باشاند بدنیا، دانش رخشنده‌ات

عشقی و وطن

خاگم بسر زغصه بسر خاک اگر کنم
 خاک وطن که رفت چه خاکی بسر کنم
 آوخ کلاه نیست وطن تاگه از سرم
 برداشتند ، فکر کلاه دگر کنم
 من آن نیم که یکسره تدبیر مملکت
 تسلیم هرزه گرد قضا و قدر کنم
 زیرو زبر اگر نکنی خاک خصم را
 ای چرخ زیور روی تو زیرو زبر کنم
 جائیست آرزویم اگر من به آن رسم
 از روی نعلن لشکر دشمن گذر کنم
 بد هرچه میکنی بکن ای دشمن قسوی
 من نیز اگر قوی شوم از تو پتر کنم
 من آن نیم بمرگ طبیعی شوم هلاک
 وین کاسه خون به بستر راحت هلاکتم
 معشوق (عشقی) ای وطن ای مهد پاک عشق
 ای آنکه ذکر عشق تو شام و سحر کنم
 «عشقت نه سرسری است که از سر بدر رود
 مهرت نه عارضیست که جای دگر کنم
 عشق تو در وجودم و مهر تو در دلم
 با شیر اندرون شد و با جان بدر کنم (۱)»

آهنگ : روح‌الله خالقی

شعر : حسین گل‌گلاب

سرود ملی ایران

ای ایران ای سرز پر گهر	ای خاکت سر چشمه هنر
دور از تو اندیشه بدان	پاینده مانی تو جاودان
ای دشمن از تو سنگ خارای من آهنگ	جان من فدای خاک پاک میهنم
مهر تو چون شد پیشه‌ام	دور از تو نیست اندیشه‌ام
در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما	پاینده باد خاک ایران ما



سنگ کوهت در و گوهر است	خاک دشتت بهتر از زر است
بهرت از دل کی برون کنم	برگویی مهر تو چون کنم
تا گردش جهان و دور آسمان بپاست	نور ایزدی همیشه رهنمای ماست
مهر تو چون شد پیشه‌ام	دور از تو نیست اندیشه‌ام
در راه تو کی ارزشی دارد این جان	پاینده باد خاک ایران ما



ایران ای خرم بهشت من	روشن از تو سرنوشت من
گر آتش بارد به پیکرم	جز بهرت در دل نه‌روم
از آب و خاک و مهر تو سرشته‌ام گلم	مهر اگر برون رود گلی شود دلم
مهر تو چون شد پیشه‌ام	دور از تو نیست اندیشه‌ام
در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما	پاینده باد خاک ایران ما

مہر ایران

شمع رویت را بجان پروانه ام
 وز غم و درد نہان فارغ شوی
 جام جانم بادۂ گلرتگ یافت
 در دل انسان بقدر خود فزود
 زندگی بی سوز جان شرمندگی است
 دل بہ نومیدی و غم ہرگز مہند
 از وطن رو برنگرداند، بدان
 میسراید این سرود ممتحن
 جان من یادا فدای ہر کدام
 مہر ایران راز دل زایل مکن
 خود مبادا غافل از ایران شوی
 حال ایران قلب عالم شد مثل (۱)
 بیکر مردان دانشور در اوست
 ملک ایران را نمود از ظلم دور
 بی بری بر عشق ایران بی گمان
 کہ ہمہ آزادگان را سرورند
 از ابو مسلم شتو پیغام جان
 طاهر و یعقوب را سرمشق دان
 راہ جان پلزی نمایندت میان
 تابدانی آنچه می باید شنفت
 عاشق دانش خرد را رهنمون
 روح هستی را بجان ہم سازکن
 نام فرحوسی قرین شد با وطن
 فخر ایران زبدۂ نوع بشر
 زا اختلاف کفر و دین بیزار باش (۲)
 میکند کوتہ بیان قیل و قال
 تا خبر یابی ز دواز کائنات
 بی گمان رہ بردل دانش بری

ای ترانہ دختر دودانہ ام
 باتو گویم راز دل تا بشنوی
 ہستیم از ہستیت آہنگ یافت
 گوہر جان در گذر گاہ وجود
 حاصل ہستی شر از زندگی است
 زیستن بی شوق جان داغ است و بند
 زندہ ام، یامردہ ام، در ہر زمان
 بند ہندم در رہ عشق وطن
 تاکہ از ایران و ایرانی است نام
 این نصیحت از پدر باطل مکن
 گرشوی ناچار کتر ایران روی
 چونکہ در تکوین عالم از ازل
 روح ذرشتت ہمین گوہر در اوست
 گماوہ آہنگر ایران غیور
 از صفیر جان آرش در کمان
 مانی و مزدک از این بوم و ہرند
 در رہ سرکوبی بیگانگان
 در پی جنگ آوری با دشمنان
 مازیار و بابک روشن روان
 بایزید از قلرا انسان رمز گفت
 رازی آن کاوشگر علم و فنون
 از تو می خواہد کہ کشف راز کن
 در رہ احیای آداب و سنن
 شیخ خرقان عارف کبہان نظر
 باتو میگوید کہ انسان یار باش
 بوسعیلمہنہ بانوق و خیال (۳)
 از ابوریحان بجو رمز حیات
 نام خوارزمی و خیام آوری

بوعلی سینا ز اعماق قرون
ناصر خسرو ز طبع پرغرور
شیخ اشراق از رموز و رباعه نور
شیخ عطار آن مهین مرد هنر
مولوی از راز هستی دم زند
سعدی آن فرزانه مرد هوشیار
حافظ آن آزاده مرد بی نیاز
میدهد هر دم نشان از جان جهان
جامی از تکمیل آراه و بیان
صدر جمع حکمت اشراقیان (۴)
صائب صهبای دیگر میدهد
سرجان از صاحب اسرار پرس (۵)
الغرض دانشوران هوشیار
نیچه (۶) باشوق و شرار آفری
گوته (۷) از صیبای حافظ خورده است
کورین اروپوپ عاشق اینان شدند
این همه ضیعت علوم و وصف حال
تا توانی بر فرا بر آن ز علم

راز دانش را عیان سازد فزون
جان ما را سازد از پستی بدور
باتو میگوید سخن‌ها بی غرور
گنج عرفان را نهان دارد بسر
با توانی شعله در عالم زند
باتو میگوید سخن با سوز و ساز
تا که ره یابی به اوج لامکان
منعکس سازد جهان بیکران
کنه هستی را کند از نو بیان
وز جهان عشق ساغر میدهد
شرح دانش را ز دانشیار پرس
ره نمایندت بدانش بیشمار
از اوستا می‌کند خنیاگری
گز اروپائی بجان آزاده است
کزدل و جان خادم ایران شلند
باشد از ایران مای نونهای
تا که دین خود اداسازی به علم

۱- چنانکه نظامی گنجوی سروده است:

هست گیتی چو جسم و ایران دل
چونکه ایران دل زمین باشد
نیست گوینده زین قیاس خجل
دل ز تن به بود یقین باشد

۲- «هر که در این سرا آید دانش دهد و از ایمانش نور میدهد»
«از سخنان شیخ ابوالحسن خرقانی»

۳- ابوسعید ابوالخیر عارف بزرگ ایرانی در قرن پنجم هجری

۴- بلاصندرا صدرا المتالین فیلسوف ایرانی در قرن یازدهم هجری

۵- حاجی ملاهادی سبزواری متخلص به (اسرار) حکیم ایرانی در قرن

سیزدهم هجری

۶- گوته شاعر معروف آلمانی

۷- هانری کورین ایران شناس معروف فرانسوی شیفته و شارح حکمت

اشراق در اروپا

۸- پرفسور پوپ ایران شناس معروف امریکائی که چندین جلد کتاب نفیس

درباره ایران نوشت و طبق وصیت خود در شهر اصفهان به خاک سپرده شده و چند

سال بعد همسری نیز طبق وصیت در کنار شوهر خود در آنجا دفن گردید.

فهرست منابع و مآخذ کتاب

- ۱- تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان (از زرشت تا رازی) تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران
- ۲- تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان (از ظهور رودکی تا شهادت مهروردی) تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) انتشار شرکت مؤلفان و مترجمان ایران
- ۳- تاریخ مختصر ادیان بزرگ- تألیف قلیسین شاه ترجمه دکتر خدایار محبی
- ۴- برخی پرسشها درباره جهان‌بینی و جنبش‌های اجتماعی در ایران تألیف احسان طبری
- ۵- شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی
- ۶- تمدن ایران تألیف چندتن از خاورشناسان ترجمه دکتر میسی بهتام
- ۷- نه گفتار در تاریخ ادیان تألیف علی‌اصغر حکمت
- ۸- میراث ایران زیر نظر پرفسور آربری ترجمه چندتن از فضلا
- ۹- تواریخ نوشته هرودوت پدر تاریخ ترجمه وحید مازندرانی
- ۱۰- تاریخ ایران باستان تألیف حسین پیرنیا مشیرالدوله
- ۱۱- تاریخ نهضت‌های ملی ایران (از حمله تازیان تا ظهور صفاریان) تألیف عبدالرفیع حقیقت انتشارات علی‌اکبر علمی
- ۱۲- تاریخ نهضت‌های ملی ایران (از سوك يعقوب لیث تا سقوط عباسیان) تألیف عبدالرفیع حقیقت از انتشارات بنیاد نیکوکاری نوریانی
- ۱۳- بیان‌الادیان تألیف محمدبن‌الحسین‌العلوی به اهتمام هاشم رضی
- ۱۴- سلمان پاک تألیف لوتی ماسینیون ترجمه مرحوم دکتر علی شریعتی
- ۱۵- تفسیر طبری تألیف محمدبن‌جریر طبری به اهتمام حبیب‌بخمائی
- ۱۶- الفرق بین‌الفرق ابومنصور عبدالقاهر بغدادی به اهتمام محمدجواد مشکور کتابفروشی حقیقت
- ۱۷- خاندان نویختی تألیف شادروان عباس اقبال آشتیانی
- ۱۸- تاریخ فلسفه اسلامی تألیف هانری گربن ترجمه دکتر اسدالله مبشری
- ۱۹- سرچشمه تصوف تألیف سعید نقیسی
- ۲۰- چهل مجلس شیخ علاءالدوله سمنانی به اهتمام عبدالرفیع حقیقت (رفیع)
- ۲۱- البدع والتاریخ مطهر بن طاهر مقدسی منسوب به ابی‌زید احمد بن سهل بلخی *
- ۲- فهرست این‌ندیم ترجمه م-تجدد
- ۲۲- تاریخ فلسفه در جهان اسلامی تألیف حنا القاعوری و خلیل‌الاجر ترجمه عبدالمحمد آیتی

- ۲۴- سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی
- ۲۵- نگین سخن- عبدالرفیع حقیقت از انتشارات علی اکبر عدوی
- ۲۶- جنبش زیدیه در ایران تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع)
- ۲۷- کامل ابن الیر ترجمه عباس خلیلی دکتر - سپهر خلیلی
- ابوالقاسم حالت
- ۲۸- مروج الذهب مسعودی ترجمه ابوالقاسم پاینده
- ۲۹- تجارب السلف هندو شاه نخبوانی به تصحیح عباس اقبال آشتیانی
- ۳۰- تاریخ قم
- ۳۱- تاریخ تمدن اسلامی تألیف جرجی زیدان ترجمه علی جواهر کلام
- ۳۲- تاریخ طبرستان تألیف ابن اسفندیار به تصحیح عباس اقبال آشتیانی
- ۳- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف سید ظهیرالدین مرعشی
- ۳۴- تاریخ مازندران تألیف اسماعیل مهجوری
- ۳۵- الرسالة الجامعة چاپ مجمع علمی عربی دمشق سال ۱۹۴۸ میلادی
- ۳۶- تاریخ جنبش سریداران تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع)
- ۳۷- روضة الصفا میرخواند
- ۳۸- نبضت سریداران در خراسان تألیف پطروشفسکی ترجمه کریم کشاورز
- ۳۹- حبیب السیر تألیف خواندمیر
- ۴۰- ظفر نامه شرف الدین علی یزدی
- ۴۱- تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران تألیف استاد محمد تقی بهار
- ۴۲- کشف الظنون حاجی خلیفه کاتب چلبی
- ۴۳- مجمل فصیحی فصیح احمد خوافی به تصحیح محمود فرش خراسانی
- ۴۴- تذکره دولتشاه سمرقندی
- ۴۵- تاریخ رویان اولیاء الله املی بد تصحیح عباس خلیلی
- ۴۶- سفرنامه ابن بطوطه ترجمه محمد علی موحد
- ۴۷- کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مفلول تألیف پطروشفسکی ترجمه کریم کشاورز
- ۴۹- مجله بررسیهای تاریخی (ستاد ارتش)
- ۵۰- لغت نامه دهخدا علی اکبر دهخدا سازمان لغت نامه
- ۵۱- تاریخ ادبیات ایران تألیف پرفسور ادوارد براون ۴ جلد
- ۵۲- دانشمندان آذربایجان تألیف محمد علی تربیت

- ۵۲- جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان (نقطویان) تألیف علی میرفطروس
- ۵۴- واژه نامه گرگانی تألیف دکتر صادق کیا- دانشگاه تهران
- ۵۵- دبستان المذاهب تألیف علامه حسن فانی چاپ بهمش
- ۵۶- پسیخانیان یا نقطویان تألیف دکتر صادق کیا
- ۵۷- تاریخ ایران تألیف سرجان ملکم خان
- ۵۸- تاریخ مشروطه ایران تألیف احمد کسروی
- ۵۹- تاریخ بیداری ایرانیان تألیف ناظم الاسلام کرمانی
- ۶۰- انقلاب مشروطیت ایران و ریشه های اجتماعی و اقتصادی آن تألیف م. پاولویچ- و. تریاک- س. ایرانسکی ترجمه م. هوشیار
- ۶۱- هفت سال در زندان آریامهر نگارش مرحوم احمد آرامش به کوشش شادروان اسماعیل راثین
- ۶۲- دیوان ابوالقاسم لاهوتی به کوشش احمد شبیری از انتشارات امیرکبیر
- ۶۳- دیوان میرزاده عشقی
- ۶۴- فرهنگ اصطلاحات سیاسی شکیباپور
- ۶۵- سردار جنگل (میرزا کوچک خان) ابراهیم فخرانی
- ۶۶- عمادالدین نسیمی- حمید آرسلی چاپ باکو
- ۶۷- تاریخ گیلان و دیلمستان تألیف سید ظهیرالدین مرعشی تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده - بنیاد فرهنگ
- ۶۸- تاریخ ادبیات ایران تألیف استاد دکتر ذبیح الله صفا
- ۶۹- روزنامه مردم دوره هفتم مقاله (دولت و دولتمداری در ایران) نگارش احسان طبری
- ۷۰- مجله هوجت

ندای والای مردم گرائی

اگر از ترکستان تا به در شام، کسی را خاری در انگشت شود آن،
از آن من است. همچنین از ترک تا شام، کسی را قدم در سنگ آید زبان
آن مر است. و اگر اندوهی در دلی است آن دل از آن من است.
عالم با امداد برخیزد طلب زیادتی علم کند و زاهد طلب زیادتی زهد
کند و بوالحسن در بند آن بود که سروری بدل برادری رساند.

(از سخنان شیخ ابوالحسن خرقانی عارف قرن
چهارم و پنجم هجری)

صد خانه اگر به طاعت آباد کنی

بهزاد نبود که خاطری شاد کنی

گر بنده کنی ز لطف آزادی را

ببتر که هزار بنده آزاد کنی

(از شیخ اعلا عابدوله سمنانی عارف قرن هفتم و

هشتم هجری)

فهرست اعلام تاریخی و جغرافیائی

۶

- آبادان (عبادان) ۹۷
 آتابای (سرلشکر دکتر) ۱۶۹
 آتیا ۳۳
 آخسونواز ۴۸
 آذربایجان ۸۴ ← ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۰ - ۹۱ -
 ۹۲ - ۹۳ - ۱۲۱ - ۱۲۴ - ۱۲۲ - ۱۸۹
 آذر بیگدلی ۷۶
 آرامش (احمد) ۱۶۱ - ۱۷۹
 آزادخان ۱۳۳
 آسیانی نس ۳۳
 آقاخان کرمانی (میرزا) ۱۴۸ - ۱۴۹
 آق بابای قزوین ۱۷۰
 آل بویه ۷۷ - ۱۱۵
 آل مظفر ۱۲۱
 آمل ۱۰۱ - ۱۰۳ - ۱۱۰
 آناطولی ۱۲۸
 الف
 اباندر غفاری ۶۰ - ۶۱
 ابراهیم بن قاضی نورمحمد ۱۳۱
 ابن اثیر ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷
 ابن اسفندیار (مورخ) ۱۰۴
 ابن بطوطه ۱۱۰ - ۱۱۵
 ابوالحسن خرقانی (شیخ) ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹
 ابوسعید ابوالخیر ۷۳ - ۷۴
 ابوسعید ایلخان ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۳ - ۱۱۴

- ابوسلمه ۷۱
 ابوعلی سینا ۷۴
 ابوالعباس پسر محمد عبدالکریم نصاب آملی ۷۳
 ابومسلم ۷۱ - ۸۱
 ابومقاتل ضریر ۱۰۳ - ۱۰۴
 ایبورد ۱۰۹
 ایبکیان ارنی ۱۶۵
 انریش ۱۴۴
 احسان طبری ۸ - ۲۹ - ۹۷
 احسان‌الدخان ۱۹۰ - ۱۹۲
 احمد آقاخان (میرپنج امیراحمدی) ۱۷۵
 احمد روحی (شیخ) ۱۴۹
 احمد نر ۱۲۸
 احمد شاه قاجار ۱۵۷ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۸۲
 اخوان صفا ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸
 اختیارالدین (قلعه) ۱۲۹
 ادیب‌السلطنه سمعی ۱۷۳ - ۱۷۶ - ۱۷۷
 ارشدالدوله ۱۵۷ - ۱۵۸
 ارغون‌خان مغول ۷۹ - ۸۰
 ارمنستان ۱۶۲
 ازرقه ۶۵ - ۶۶
 ازبکستان ۷۳
 استاروسلسکی ۱۷۴
 استانبول ۱۶۷
 استرآباد ۱۱۴ - ۱۵۷
 اسدآباد همدان ۱۶۴
 اسفراین ۱۰۸ - ۱۱۵
 اسکندر مقنونی ۲۶
 اسماعیل صفوی (شاه) ۸۳
 اسماعیلیه ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۲۵
 اسمیت (کنل) ۱۶۷ - ۱۷۱ - ۱۷۲
 اصفهان ۵۶ - ۸۷ - ۷۹ - ۱۲۱ - ۱۲۳ - ۱۳۷ - ۱۴۴ - ۱۵۴ -
 ۱۵۷ - ۱۷۷ - ۱۷۹
 اعتضادیه (باغ) ۱۵۰
 افشین اسروشنی ۸۹ تا ۹۳

- افغانستان ۱۳۶ - ۱۶۰
 افلاطون ۸-۲۴-۲۵-۷۴
 اقبال آشتیانی (عباس) ۹۵
 اقبال لاهوری (محمد) ۶۰
 امامزاده جعفر و رامین ۱۵۸
 امیریه ۱۲۶
 امیر خسروی (سرتیب رضاقلی خان) ۱۶۹
 امیر تومان (امیر موقت شهید نخجوانی) ۱۶۷
 انزلی (پهلوی) ۱۶۸ - ۱۹۰
 انگلیس ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۳ - ۱۵۴ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰
 ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۷۷ - ۱۸۰ - ۱۸۷
 انوشیروان ساسانی ۴۳ تا ۵۵
 اوتانس ۳۲ تا ۴۰
 اهواز ۹۷
 ایاز ۷۷
 ایتالیا ۲۷
 ایرن ساید ۱۶۷ - ۱۷۰
 ایرج میرزا ۱۹۴
 اینتافرن ۳۳
 ایوان کی ۱۵۸
 ب
 بابک خرم دینی ۸۴ تا ۹۳
 باد کوبه ۱۶۲
 باستانی پاریزی ۳۶
 باشتین (قریه) ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴
 باقر خان ۱۵۷
 باکو ۱۲۷ - ۱۴۵
 بالوی زاهد ۱۱۰ - ۱۱۱
 بایزید بسطامی ۷۳ - ۸۴
 بحر ایاد ۱۱۱
 بحر عمان ۱۶۰
 بختیاری ۱۹۱
 بدرالدین سیماوی ۱۲۹
 بردیا ۳۲ تا ۴۰
 برمکیان ۹۹
 بسطام ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۱۱۴ - ۱۱۶

- بصره ۶۵ - ۹۵ - ۱۴۹
 بغداد ۹۵ - ۱۶۲ - ۱۶۴
 بلژیک ۱۴۴
 بلوچستان ۱۶۰
 بوندوسی (بوندوک) ۴۹
 بهار (محمد تقی) ۱۲۰ - ۱۷۹ - ۱۹۳
 بهزادی اندو مجربی (دکتر حسین) ۹۲
 بهاول نهاوندی ۱۳۰
 بیاروجمند ۱۱۵
 بیضاوی ۵۹
 بیهق ۱۱۳ - ۱۱۹
 بین‌النهرین ۱۶۲
- ب
- پارتی‌زی‌تس ۳۳
 پارت ۳۶
 یارسای تویرکانی ۷۸
 پرسپلیس ۱۰
 پرک ساسی پس ۳۵
 پسیخانیان ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲
 پطروشفسکی ۱۲۰
 یلو تارک ۲۶
 یوریای ولی ۸۳
- ت
- تاجیکستان ۷۳
 تبریز ۱۰۹ - ۱۲۳ - ۱۴۴ - ۱۵۰ - ۱۵۲ - ۱۸۷
 تخت جمشید ۱۰
 تذکره‌الاولیاء ۷۷
 ترشیز ۱۱۶
 ترکستان ۸۳
 ترکیه ۱۲۸ - ۱۶۰ - ۱۸۰ - ۱۸۳
 ترملین ۸۷
 تشیع ۶۹ - ۷۰ - ۷۱
 تقیس ۱۴۵
 تفتانی ۱۲۵
 تهران ۱۵۷ - ۱۷۴ - ۱۷۸
 تیسفون ۶۲

تیمور گورکانی ۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۱-۱۲۲-۱۳۰-۱۳۱

ج

جاجرم ۱۱۵

جام ۱۱۶

جاودان نامہ ۱۲۴

جاویدان پسر شہرک ۸۴-۸۸

جاویدان کبیر ۱۲۴

جاویدانیہ ۸۴

جبر ۵۸

جمدین درہم ۶۵

جمال الدین امداآبادی (سید) ۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰

جمشید ۱۰

جمہوریت ۱۱-۳۲-۴۳-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵

جون ۱۱۵

جوانمردان ۸۱-۸۲-۸۳

جہانگیر خان صوراسرافیل ۱۵۶

جی ۵۷

چ

چالوس ۱۰۲

چمپین (ژنرال) ۱۶۷

ح

حافظ ابرو ۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴

حافظ شیرازی ۵۶

حجاج بن یوسف ثقفی ۶۴

حروفیان (حروفیہ) ۱۲۱ تا ۱۲۹

حن جوری (شیخ) ۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۶-۱۱۹

حن نامقانی (پهلوان) ۸۲

حن پرسیار بصری ۶۵ تا ۶۸

حن بن زید علوی ۷۱-۹۹ تا ۱۰۵

حن بن حسین طاہری ۱۰۰

حن حمزہ ۱۱۳-۱۱۴

حن شیرازی (میرزا) ۱۳۷

حن عسکری (امام) ۱۲۵

حن خان خبیر الملک ۱۴۹

حسین حمزہ ۱۱۳-۱۱۴

حسین بن علی (ع) ۱۲۴

حمید آراسلی ۱۲۶

حنالقاخوری ۸۵

حیدر (سلطان) ۷۳ - ۸۳

حیدر عموافلی ۱۹۳

حیدر قصاب (بهبهان) ۸۳

خ

خالد پسر عبدالله قسری ۶۵

خالقی (روح الله) ۱۹۸

خالو قربان ۱۹۰

خبوشان ۱۱۶

خدایار محبی (دکتر) ۸

خدیجه ۶۹

خراسان ۳۱ - ۱۰۸ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۴ - ۱۱۹ -

۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۳۰ - ۱۳۳ - ۱۲۲ - ۱۹۳

خرقان ۷۳ - ۷۴ - ۷۵

خرم بیجان ۹۳ تا ۸۴

خلیج فارس ۳۱ - ۱۳۶ - ۱۳۷

خلیفه مازندرانی (شیخ) ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲

خلیل الجبر ۸۵

خوارزم ۱۲۲ - ۱۲۳

خواندمیر ۱۱۵

خوارج ۶۵

خوشنویس (مولانا) ۱۳۶ - ۱۳۷

خیابانی (شیخ محمد) ۱۸۷

خیوه ۸۳

د

داریوش مخامشی ۳۳ تا ۴۰

دامغان ۱۱۶ - ۱۲۱ - ۱۵۷

دانوب ۲۷

داود سبزواری (شیخ) ۱۱۷ - ۱۳۰

دشت میشان ۹۷

دماوند ۱۱

دیو کرات ۱۸۷ - ۱۸۸

درانشاء عراقندی ۱۱۴ - ۱۱۵

ذ

ذوالنون مصری ۷۴

- رائین (اسماعیل) ۱۷۹
 رامہرمز ۵۶
 رژی (کمپانی) ۱۳۷
 رستمدار ۱۱۷
 رشت ۱۳۰ - ۱۵۲ - ۱۵۷
 رضا (حضرت ع) ۱۲۳
 رضاخان (رضاشاہ) ۱۵۹ - ۱۶۱ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۸ - ۱۶۹
 ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۸ - ۱۷۹
 ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۵ - ۱۸۶
 رعد (روزنامہ) ۱۶۵
 رفیع (عبدالرفیع حقیقت) ۷۴ - ۷۵ - ۱۹۸
 رفیعی ۱۲۷
 روسید شوروی ۱۳۶ - ۱۴۱ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۵۷
 ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۳ - ۱۶۶ - ۱۸۰
 روہم ۲۶
 رویان ۱۰۱ - ۱۰۳
 ری ۸۷ - ۱۰۱ - ۱۴۹ - ۱۵۲
 ز
 زرتشت ۸ - ۹ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۴۱
 زنگیان ۹۴ تا ۹۸
 زیدبن علی بن حسین (ع) ۶۶
 زیدید ۶۶ - ۷۱ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۹ تا ۱۰۵ - ۱۱۵
 س
 ساری ۱۰۰
 سازونوف ۱۸۰
 سالار جنگ ۱۷۹
 سامراء (سامرہ) ۱۰۰ - ۱۳۷
 سبزووار ۷۱ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴
 ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۳۰ - ۱۳۱
 سیارتاکوس ۹۸
 سپہدار رشتی ۱۶۳ - ۱۷۴
 ستارخان ۱۵۶
 سربداران ۷۱ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴
 ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱
 شیخ جامگان ۸۷ - ۸۸
 شیرازی کامکن ۱۶۱ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۸۱

- سردار اسعد بختیاری ۱۵۶
 سردار همایون ۱۷۶ - ۱۷۷
 سقراط ۲۴ - ۳۵
 سلمان فارسی ۵۶ تا ۶۳
 سلیمان پسر عبدالله ۱۰۰
 سردیس ۳۱ تا ۴۰
 سمرقند ۱۲۰ - ۱۲۱
 سفتان ۸۰ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۶ - ۱۵۷
 سنائی ۶۴
 سنویه (سیوید) ۶۴
 سهروردی (شهاب‌الدین یحیی) ۸ - ۷۴
 سهل تستری (شوشتری) ۷۴
 سهلیان ۹۹
 سید جمال واعظ ۱۵۴
 سید عبدالحمید ۱۵۴
 سید ضیاءالدین طباطبائی ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۲ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۹
 ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۸ - ۱۸۱ - ۱۹۳
 سیستان ۱۲۱
 ش
 شاهرخ تیموری ۱۳۲
 شاهرود ۷۵ - ۱۵۷
 شرف‌الدین علی‌یزدی ۱۲۱ - ۱۳۱
 شروان ۱۲۴
 شریعتی (دکتر علی) ۵۸
 شعاع‌الطنه ۱۵۱
 شوش ۹۷
 شهاب‌الدوله ۱۷۷
 شیخعلی (امیر) ۱۱۵
 شیراز ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۵۴
 ص
 صاحب‌الزنج ۹۴ تا ۹۸
 صفویه ۷۱
 صفی‌الدین اردبیلی ۷۲ - ۸۳
 ض
 ضحاک ۱۰ تا ۲۱
 ضیاءالدین طباطبائی (سید) ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۲ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۹
 ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۸ - ۱۸۱ - ۱۹۳

ط

- طالبوف تبریزی ۱۴۸
 طالقان ری (کرج) ۹۴
 طاہر ذوالیمینین ۱۰۰
 طاہریان ۱۰۰ - ۱۰۱
 طباطبائی (سیدمحمد) ۱۵۲ - ۱۵۳
 طبرستان ۷۱ - ۹۹ تا ۱۰۵ - ۱۱۵
 طوس ۱۰۹ - ۱۱۹
 طوقای تیمورخان ۱۱۸
 طوقچی (مسجد) ۱۲۳
 طہماسب (شاہ) ۱۳۲

ظ

- ظہیرالدین مرعشی ۱۱۵ - ۱۱۶

ع

- عارف قزوینی ۱۸۴ - ۱۹۴
 عایشہ ۷۰
 عباس بن عبدالطلب ۶۱
 عباس (شاہ) ۸۳
 عباسیان ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸
 عبدالحمید (سلطان) ۱۵۰
 عبدالحمید فرشتزادہ ۱۲۴
 عبدالله بہمانی (سید) ۱۵۲ - ۱۵۳
 عبدالله پسر طاہر ۸۹ - ۱۰۰
 عبدالله قریشی ۱۰۰
 عبدالله پسر وندا امید ۱۰۱
 عبدالرزاق باقتینی (بہلوان) ۸۳ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۶
 عبداللہ انصاری (خواجہ) ۷۴
 عثمان خلیفہ ۷۰
 عشقی (میرزادہ) ۱۹۷
 عضدالملک ۱۵۶
 عضدالدین (خواجہ) ۱۲۸
 عطار نیشابوری ۷۷
 علاءالدین محمد فریومندی (ہندو) ۱۱۴ - ۱۱۵
 علاءالدولہ سمنانی ۷۹ - ۸۰ - ۱۱۰ - ۱۱۱
 علویان طبرستان ۹۹ تا ۱۰۵ - ۱۲۲
 علی بن ابیطالب (ع) ۵۷ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۱۲۵
 علی پسر محمد پسر عبدالکریم علوی ۹۴ تا ۹۸

- علی موید (خواجده) ۱۱۷
 علی‌اصغر خان اتابک اعظم ۱۵۰
 عمار یاسر ۶۱
 عمر بن عبیدبن باب ۶۶ - ۶۷
 عین‌الدوله ۱۵۰ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵
 ع
 غدیر خم ۶۹
 غزنین ۷۷
 غیاث‌الدین مینا‌الحموی (شیخ‌الاسلام) ۱۱۱
 غیلان دمشقی ۶۵
 ف
 فارس ۱۲۱
 فتح‌علی آخوندزاده ۱۴۸
 فخریند ۱۹۰
 فخرائی (ابراهیم) ۱۹۱ - ۱۹۳
 فرانسه ۱۴۱ - ۱۴۴ - ۱۴۵
 فردوسی طوسی ۱۱ - ۱۲ - ۱۹ - ۲۱ - ۲۹ - ۵۲ - ۵۳
 فریدون ۱۱ - ۱۲ - ۲۱
 فریوعد ۱۱۴
 فصیح احمد خوانی ۱۱۳
 فضل‌الله نعیمی استرآبادی ۱۲۲ تا ۱۲۹ - ۱۳۰
 فلیسین شاله ۷
 فیثاغوریان ۲۵
 ق
 قاسم‌انوار ۱۲۹
 قباد ۴۳ تا ۵۵
 قدریه ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶
 قزلباش ۸۳
 قزوین ۸۰ - ۸۹ - ۱۶۲ - ۱۶۴ - ۱۶۷ - ۱۶۹ - ۱۷۲ - ۱۷۶
 قطری پسر فجاج ۶۵
 قفقاز ۱۶۲ - ۱۶۵ - ۱۹۰ - ۱۹۳
 قهک ۱۵۴
 قم ۱۵۴ - ۱۸۷
 قوام‌السلطنه ۱۹۳ - ۱۹۴
 قهستان ۱۰۹
 ک
 کاپیتن نوئل ۱۸۱ - ۱۹۰ - ۱۹۱

- کارون ۱۳۷
 کاظم خان سیاح ۱۶۴ - ۱۶۷ - ۲۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰
 کاوہ آہنگر ۱۰ تا ۲۱
 کبیر جامہ گرگان ۱۱۵
 کبریلا ۱۲۴
 کرج ۱۶۴ - ۱۷۱
 کرزن ۱۷۸
 کرمانشاہ ۱۶۲
 کرمان ۳۱ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۲۰
 کریم خان زند ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵
 کسروی (احمد) ۱۵۲
 کلاردشت ۱۰۲
 کمبوجیہ ۳۱ تا ۴۰
 کنز الحقایق ۸۳
 کوچک خان (میرزا) ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳
 کنستانین ۲۷
 کوروش مخامنشی ۳۱ - ۳۳
 کوفہ ۹۴ - ۹۵
 کومش (قوس) ۷۱ - ۷۳ - ۱۱۰ - ۱۱۶
 کیا (صادق) ۱۳۲
 کبھان (مسعود) ۱۷۲
 کالیس ۲۶
 کبریاس ۳۳ - ۳۴ - ۳۵
 گرجستان ۱۲۱ - ۱۲۲
 گرگان ۷۱ - ۸۷ - ۱۱۰ - ۱۵۷
 گل گلاب ۱۸۶
 گوردز سیرجانی ۱۳۰
 گومالہ ۳۲ تا ۴۰
 گیلان ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳
 ل
 لاهوتی (ابوالقاسم) ۱۹۶
 لندن ۲۷ - ۱۶۲ - ۱۶۴ - ۱۶۷
 لوا علیہدین ۱۷۷
 م
 مامون عباسی ۶۸ - ۸۹ - ۹۹

- مازندران ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۲۱
 مازیار طبرستانی ۱۰۰
 ماسال ۱۹۱
 ماسینیون ۵۸
 مالکلارن ۱۹۱
 مانی ۸ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۵۹
 ماوراءالنهر ۱۲۱
 متوکل عباسی ۶۸ - ۹۹
 مجارستان ۲۷
 محتشم السلطنه اسفندیاری ۱۶۳
 محرم‌نامه ۱۲۴
 محمد (ص) ۵۶ - ۵۷ - ۶۰ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱
 محمد پسر ابراهیم علوی ۱۰۱
 محمد حسن‌خان قاجار ۱۳۳
 محمد رضا کرمانی (میرزا) ۱۳۷ - ۱۴۹
 محمدعلی شاه ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹
 محمدولی‌خان سپهدار اعظم ۱۵۶
 محمدخان عامری ۱۶۵
 محمدبن اوس ۱۰۱
 محمدپسر حمیدطائی ۸۹
 محمدکیا (سید) ۱۰۳
 محمدتقی پسیان (کاتب) ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵
 محمود غزنوی (سلطان) ۷۴ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹
 محمود پسیخانی ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲
 محمود دهناری ۱۳۲
 مخیرالسلطنه ۱۸۹
 مدرس (سیدحسن) ۱۷۹
 مراغه ۸۹
 مرگان ۱۰۵
 مرجئه ۶۵
 مرو ۸۰
 مزدک ۴۳ تا ۵۵
 مزدیسنه ۸ - ۹
 مسعود (امیر) ۱۱۶
 مسیح (حضرت) ۸ - ۲۸
 مشهد ۱۰۹ - ۱۱۹ - ۱۲۲ - ۱۹۵
 مشیری (محمد) ۱۶۱

- مشیر الدولہ ۱۸۹
 مصر ۳۱ - ۳۲ - ۳۳
 مطبوعی (سرلشکر ایرج) ۱۶۹
 مظفر الدین شاہ قاجار ۱۴۵ - ۱۵۲ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶
 معبد جہنی ۶۴
 معتزلہ ۶۳ تا ۶۸
 معتصم عباسی ۶۸
 معزالدین حسین کرت ۱۱۶
 معین الملک فتوحی ۱۲۳ - ۱۲۶ - ۱۲۷
 مقبرہ حضرت عبدالعظیم ۱۴۹ - ۱۵۲
 مقداد ۶۱
 مگابیز ۳۳ - ۳۸
 ملاحندرا ۸ - ۱۹۹
 ملک المتکلمین ۱۵۶ - ۱۵۷
 ملکم خان ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵
 منجیل ۱۶۷
 منچستر ۱۴۵
 موصل ۵۶
 مہر ۸ - ۹ - ۲۶ تا ۳۰
 میرانشاہ ۱۲۳ - ۱۲۴
 میجر آشوت ۱۹۱
 میرزای آشتیانی ۱۳۷
 میرخواند ۱۱۴ - ۱۱۵
 میر فطروس (علی) ۱۲۷
 ن
 ناصر شاہ ۱۳۳
 ناصر الملک ۱۵۶
 ناصر الدین شاہ قاجار ۱۳۷ - ۱۴۰ - ۱۴۸
 نافع پیر ازرق ۶۵
 نجدات ۶۵
 نرمان (مستر) ۱۶۷ - ۱۷۸
 نسترویل (ژنرال) ۱۶۷
 نسیمی (عمادالدین) ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸
 نصرالہ خان مشیرالدولہ (میرزا) ۱۵۵
 نصرت (منشی باشی) ۷۶
 نصرت الدولہ فیروز ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵
 نصیبین ۵۷
 نصیریہ ۵۹

نظام‌الملک طوسی ۴۹ - ۸۷ - ۸۹ - ۹۱

نظام‌الملک قاجار ۱۵۶

نعمت‌الله ولی (شاه) ۷۲ - ۸۳

نفیسی (سعید) ۷۵

نقشویان ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲

نویختیان ۹۹

نوروز ۱۰۵

نوک ۱۴۹

نهایت ۱۳۰

نیشابور ۱۱۲

و

واتق عباسی ۵۸

واسعوس ۱۹۱

واصل بن عطا ۶۵ تا ۵۸

درین‌الدوله ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۵

زحیدالدین مسعود یاشتینی ۸۳ - ۱۱۶ - ۱۱۷

زرامین ۱۷۹

زرزین ۹۴

ولتر ۱۴۹

ویشاسپ ۳۳

•

هاروان‌الرشید ۹۹

هجر ۹۵

هرات ۱۱۶

هراکلیت ۸

هرودت ۳۶ - ۳۷

هشام پسر عبدالملک ۵۵

هلال‌بن‌ریاح ۶۰

همدان ۷۹ - ۸۷ - ۱۶۴ - ۱۶۸ - ۱۶۹

هندوشاه نخجوانی ۹۵

هندوچین ۱۳۶

هندوستان ۷۲ - ۷۳ - ۱۳۶

هینداریق ۳۳

ی

یبرم خان ارضی ۱۵۶ - ۱۵۷

یحیی کرابی ۱۱۸ - ۱۱۹

یزد ۱۴۹

یوسف حروفی ۱۲۹

فهرست برخی از تالیفات چاپ شده پژوهشگر این کتاب

- ۱- تاریخ نهضت‌های ملی ایران: (در چهار مجلد) جلد اول این تالیف زیرعنوان: (از حمله تازیان تا ظهور صفاریان) در اسفند سال ۱۳۴۸ خورشیدی در ۶۵۶ صفحه به قلم وزیر توپخانه شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران در تهران چاپ و منتشر شده است.
- ۲- تاریخ نهضت‌های ملی ایران: (از سوک یعقوب لیث تا سقوط عباسیان) که در اسفند سال ۱۳۵۴ خورشیدی در ۶۶۸ صفحه به قلم وزیر از طرف بنیاد نیکوکاری نوریانی مطبع نشر شده است. جلد سوم (از پیداد مغولان تا اوج حکومت صفویان) جلد چهارم: (از آغاز نفوذ اروپائیان تا انقلاب مشروطیت) در دست تالیف.
- ۳- اعتقاد و دبستگی عمیق ایرانیان به آیین کهن ملی. مهرسال ۱۳۵۰ خورشیدی.
- ۴- نگین سخن: شامل شیواترین آثار منظوم ادبیات فارسی. از قرن چهارم تا عصر حاضر (در سه مجلد) جلد اول آن در فروردین سال ۱۳۵۰ خورشیدی در ۵۲۰ صفحه به قلم وزیر و جلد دوم در اردیبهشت سال ۱۳۵۴ خورشیدی در ۶۵۴ صفحه به قلم وزیر و جلد سوم در مهرسال ۱۳۵۸ خورشیدی در ۵۵۶ صفحه به قلم وزیر از طرف شرکت سهامی انتشارات کتب ایران در تهران مطبع و نشر شده است.
- ۵- تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان: (در چهار مجلد) جلد اول این تالیف زیرعنوان: (از زرتشت تا رازی) در اسفند سال ۱۳۴۷ خورشیدی و چاپ دوم آن در آذر سال ۱۳۵۶ خورشیدی در ۵۲۰ صفحه به قلم وزیر از طرف شرکت مؤلفان و مترجمان ایران در تهران چاپ و منتشر شده است. جلد دوم این تالیف زیرعنوان (از ظهور رودکی تا شهادت سپه‌روردی) در ۹۴۰ صفحه به قلم وزیر از طرف شرکت مؤلفان ایران در آذر سال ۱۳۵۷ منتشر شده است. جلد سوم زیرعنوان (از مولوی تا ملاصدرا) در دست تالیف.
- ۶- اقبال شرق: شامل شرح و احوال و آثار و افکار و برگزیده‌ترین اشعار علامه محمد اقبال لاهوری که در ۲۸۸ صفحه به قلم وزیر در

ایبان ۱۳۵۷ خورشیدی از طرف بنیاد نیکوکاری نوربانی در تهران طبع و
نشر شده است.

۷- شرح و احوال و آثار و افکار بایزید بسطامی (مهر سال ۱۳۴۵)

۸- نورالعلوم: کتاب یکتا از عارف بی همتا. منسوب به شیخ ابوالحسن

خرقانی عارف بزرگوار ایرانی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم
هجری (نمونه نشر قرن پنجم هجری) همراه با شرح احوال و آثار و افکار
شیخ خرقان در ۳۰۰ صفحه توسط انتشارات بنیاد نیکوکاری توریانی.

۹- چهل مجلس شیخ رکن الدین علاءالدوله سمنانی: عارف بزرگ

ایرانی در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری. تحریر امیر اقبال سیستانی کفدر
از دیهشت سال ۱۳۵۸ خورشیدی در ۲۰۲ صفحه به قطع وزیری از

طرف شرکت مؤلفان و مترجمان ایران در تهران طبع و نشر شده است.

۱۰- جنبش زیدیه در ایران (زیر چاپ)

۱۱- سیر اندیشه انسان سالاری در ایران (زیر چاپ)

۱۲- تاریخ جنبش سربداران (زیر چاپ)

۱۳- قیام سربداران (داستان واقعه باشتین) (زیر چاپ)

مزیت انسانی

طوطی : ما حیوانات به آنچه خدا داده است راضی، و نسبت به احکام او خاضع هستیم، از ما «برای چه؟» و «چطور؟» و «چرا؟» در کارهای او دیده نمیشود.

انسان: برای همین است که حیوان هانده‌اید. (۱)

۱- از رسائل اخوان الصفا قرن سابع هجریست و دوم، محاکمه «انسان و حیوان» نقل از مقدمه قصیده چون و چرا» بقلم شادروان مجتبی مینوی در مجله یادگار سال دوم، شماره ۸، صفحه ۹

فهرست لغزشهای چاپی

ردیف	صفحه	صطر	درست	نا درست
۱	۱۹	۱۴	کاه آهنگر	گاه آهنگر
۲	۵۶	۶	مرموز	شگفت و مرموز
۳	۶۴	۱۱	وررودسوی	ورشود آن
۴	۱۰۳	حاشیه	حمله تا زمان	جمله تا زبان
۵	۱۱۳	۲۰	باشتینی	باشینی
۶	۱۲۰	آخر	خونش را بخاک	خونش بخاک
۷	۱۳۱	۱۹	نه نیروهای	به نیروهای
۸	۱۵۲	حاشیه	در باینده خود	باینده خود

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

از همین نویسنده منتشر شده است:

۱- جنبش زیدیه در ایران

۲- تاریخ جنبش سرداران

۳- قیام سرداران (داستان واقعه باشتین)



انتشارات آزاداندیشان

مرکز پخش تهران خیابان مصدق
دوراه یوسف آباد کتابفروشی بهجت
تلفن ۶۲۱۱۷۶

قیمت ۲۰۰ ریال

۳۸۰۰۰۰